

جناب آقای دادستان شهرستان تهران

با عنایت باصل هفتاد و یکم متمم قانون اساسی که مقرر داشته: "دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تغلیمات عمومی هستند"،
با توجه باصل نهم متمم قانون اساسی که اعلام داشته: "افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند"،
با در نظر گرفتن اصل سیزدهم متمم قانون اساسی که مقرر میدارد: "منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهرا نمیتوان داخل شد"،
با در نظر داشتن اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی که اعلام نموده: "انجمنها و اجتماعات در تمام مملکت آزاد است"،
و نظر باینکه تضمین و مراقبت حقوق فوق از نظر قانون گذار تا بدان حد اهمیت داشته است که به تنظیم ماده ۱۵۰ قانون مجازات عمومی اقدام و مقرر داشته است: "هر يك از قضات محاکم یا مستنطق یا مدعی العموم ها که تغلیمی مطابق شرایط قانونی نزد او سپرده شده و رسیدگی بآن از وظایف او بوده و با وجود این بهر عذرو بهانه اگر چه بعدر سکوت یا اجمال یا تناقضی قانون امتناع از رسیدگی کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون بتاخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند از شغل قضائی منفصل بعلاوه بتادیبه خسارات وارده محکوم خواهد شد" و نیز اینکه در ماده ۲۸۲ همان قانون بعنوان تاکید این وظیفه مقرر شده: "هر يك از روسا و اعضای پارکها که برای محو نمودن جرم مواضعه کرده و یا بنحوی از انحاء وسیله فرار مجرم را از مجازات قانونی فراهم نماید و یا بنا بر نظریات و اغراض شخصی برخلاف قانون با قرار منع تعقیبی که بنا بر نظریات خصوصی و اعتراض شخصی درباره متهمی صادر شده است موافقت نماید به حبس یا اعمال شاقه از سه الی پانزده سال محکوم خواهد شد"،
و با در نظر گرفتن مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی و ماده ۲۶۱ و همچنین ماده ۲۶۵ همان قانون که مقرر داشته: "هر نوع نهب و غارت و اتلاف اجناس و اتمعه که از طرف جماعتی بیش از سه نفر بنحوقهر و غلبه واقع شود جزای آن حبس مجبرد از دوالی چهار سال است"،
با توجه بماده ۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری که "شکایت و اعلام مدعی خصوصی و سایر اشخاص" را الزام قانونی برای شروع به تحقیقات دانسته است و ماده ۶۱ همان قانون که مقرر داشته: "هر گاه کسی اعلام نماید که خود شاهد وقوع جنایتی بوده این اظهاری برای شروع به تحقیقات کافی است و اینگونه مستنطق دلایل دیگری برای اجرای تحقیقات نداشته باشد"،

بنابراین

بشرح ذیل مبادرت به اعلام مجبرم میشود:

روز عید مبارک قربان مطابق با اول آذرماه در جشنی که بدین مناسبت در باغ آقای حسین گلزار (واقع در جاده قدیم کرج - جاده قلعه حسن خان نزدیک پاسگاه ژاندارمری کاروانسراستنگی) بموجب دعوت نامه پیوست منعقد شده بود حضور یافتیم. ساعتی پس از حضور دفعتاً نزدیک به یک هزار نفر از اراندل و امش و بزعم روزنامه اطلاعات، کیهان، آیندگان و رستاخیر: "کارگران ۱۴" - مجهز به جوهای دستی خراطی شده و جماع و زنجیر و شلاق "بنحوقهر و غلبه" به محوطه باغ وارد شده و سکوت و آرامش روحانی جشن را در هم شکستند. بدون وقفه و با آرایش نظامی به مردم بی دفاع حمله ور شدند و آنچنان به حرمت و حیثیت انسانی افراد صدمه زدند که قابل وصف نیست. وجود مضروبین و مجروحین با سرودست و پای شکسته و بخیه خورده و بدنهای کوبیده شده که برای ادای توضیح حاضر هستند، گویای این حقیقت است. مهاجمین که در نحو ضرب و شتم مندم عمل میکردند دارای تاکتیـک حساب شده ای بودند که حاکی از سبق تصمیم و توطئه قبلی برای ارتکاب جرم است.

آنان صدها اتومبیل متعلق به ضروبین حادثه را که خارج از محل جشن مستقر بود ، در هم شکسته و از حیث ارتفاع انداختند و لاستیک ها را پاره و پنجر نمودند تا امکان حرکت نباشد . هر آنچه قابل تاراج بود - از قبیل رادیو ضبط صوت وساعت به یغما رفت تا جائی که باطری اغلب اتومبیل ها نیز ریخته شد و اسنادی از قبیل تصدیق رانندگی و کارت بیمه و کارت شناسائی وسیله نقلیه ناپدید گردید .

مهاجمین به بانوان و کودکانی که در جشن حاضر بودند کمال بی ادبی را معمول داشته و آنان را با رفتار غیر انسانی و الفاظ رکیک مواجه ساختند .

این روال مصداق بارز نقض حقوق بشر و تجاوز آشکار به امنیت قضائی و حکومت قانون شمرده میشود و چنانچه دادسرا نتواند عاملین چنین تجاوزی را کشف و خواستار مجازات آنان گردد - وجودی کالعدم تلقی خواهد شد .

اگر از طرق قانونی و بندوبست مؤثر در تعقیب سببین حادثه اقدام نشود ، بعید بنظر نمیرسد که حتی برای شما برای دیگر افراد و آحاد این مملکت نیز در موارد دیگری همین رویه ضد بشری و غیر اخلاقی را در آینده معمول بدانند .

بعنوان اولین و مهمترین دلیل بازدید افراد مجروح و مصدوم که اسامی آنان حتی الامکان تقدیم خواهد شد پیشنهاد میشود . بعلاوه معاینه محل جشن و ملا حظة اتومبیلهای متلاشی قضیه را برای دادسرا طموس قسر خواهد کرد .

اکنون بر طبق ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری به تشریح موارد می پردازیم :

طبق مطالب بخشنامه واری که در روزنامه های کیهان و اطلاعات چهارشنبه دوم آذر ماه و آیندگان و رستاخیر روز بعد منتشر گردید مطلب بدین نحو آمده است که :

"مان تظاهر کنندگان و کارگران زد و خورد شدیدی در گرفت وزد و خورد زمانی آغاز شد که گروهی از کارگران که از محل کار خود باز میگشتند به محل تظاهرات رسیدند و با شنیدن شعارهای ضد میهنی تظاهر کنندگان با آنها درگیر شدند"

حقیقت اینست که حاضرین در جشن مسلمانانی ملت خواه و میهن دوست بودند و از اینکجه چنین تهمت ناجوانمردانه ای بکارگران شریف و هم میهن آنان منتسب شده است کمال تأسف و نگرانی را دارند و چون بطور قطع کارگران شرافتمند کشور نیز علاقمندند که با رسیدگی دقیق و کشف مرتکبین اصلی بار این تهمت ناروا از دوش آنان برداشته شود انجام اقدامات و کسب اطلاعات ذیل ضروری است :

۱- روز سه شنبه اول آذر ماه مطابق با عید قربان و تعطیل رسمی کارگری است چه کارخانه ای در نین روزی باز بوده است .

۲- از اداره کار استعلام شود چه کارخانجاتی در منطقه مورد بحث قرار دارند .

۳- مسیر سرویس چه کارخانه ای از خیابان قلعه حسن خان است و کارگران کدام کارخانه در ساعت چهار بعد از ظهر آن روز مرخص شده اند .

۴- کارگران کدام کارخانه با بازوبندهای سفید با حاشیه باریک سیاه حرکت میکنند .

۵- کارت ورود و خروج فرضی این کارگران در روز تعطیل کنترل گردد .

۶- از کارگران فرضی و احياناً "سورولین" کارخانه فرضی پرسش گردد به چه علت با خود جوبهای خراطی شده و جماعه و باطوم و زنجیر همراه داشته اند . بنظر میرسد همراه داشتن وسایل مرقوم معلول سبق تصمیم و برنامه منظم برای ایجاد چنین حادثه ای بوده است . پس چگونه است که جراید مذکور مدعی هستند که "گروه کارگری پس از ترك كار و در حین عبور ! متوجه شدند در تظاهر کنندگان شعار ضد میهنی میداده اند و با آنان به زد و خورد پرداختند"

۷- با توجه باینکه مجلس جشن در سالن در بسته ای در انتهای باغ برگزار میگردد ، چگونه از فاصله ای بسیار بعید و از درون اتومبیلهای سریع السیر هنگام گذر از جاده قدیم بر هیاهو و ازدحام کرج صدای "شعار" بگوش "کارگران" رسید .

۸- چون مهاجمین بوسیله اتومبیلهای خود سراسری شرکت واحد که مخصوص داخل شهر است به محل آمده بودند معلوم گردد آیا شرکت حق دارد اتومبوس در اختیار گروهها بگذارد و در

شهرستان

آن روز چه کارخانه‌ای یا چه گروه یا چه شخصی از شرکت واحد اتومبوس در بست گرفته است و معین شود که به چه مناسبت از وسیله نقلیه عمومی شهر تهران جهت رفت و آمد "کارگران" استفاده شده است.

۹- مسوولین ژاندارمری که بمناسبت حفظ انتظامات با خصوصیات محل و نام اشرار محلی آشنا هستند مسلماً با بیان توضیحات لازم در نزد بازرس به کشف قضیه کمک خواهند کرد.

۱۰- از مخبرین جراید چهارگانه سابق الذکر که همه مدعی هستند تصادفاً با یکی از کارگران ادعائی در درمانگاه برخورد و صاحبه نموده‌اند و همچنین از شخص صاحبه شونده تحقیق بعمل آید.

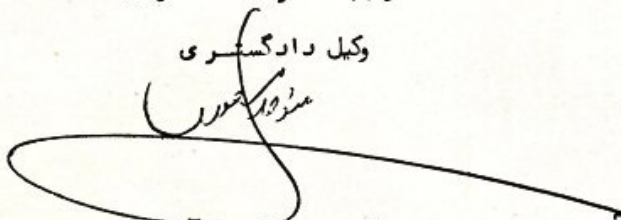
بهر صورت روزنامه‌های کشور که بموجب قانون باید در تنویر افکار عامه مجاهدت نمایند و از جعل اخبار و ایراد تهمت و افترا و نشر مطالب توهین آمیز و اکاذیب و هتاکس و هتاک شرف و حیثیت افراد خودداری نمایند، نه تنها به حیثیت کارگران لطمه زده‌اند بلکه با درج خبری بخشنامه وار حیثیت حاضرین در جلسه را نیز طعمه قرار داده با قلب ماهیت جشن افراد شریف، میهن دوست و مسلمان را "فریب خورده و ضد میهن و عامل سیاستهای بیگانه" معرفی نموده‌اند که از این حیث احتضار و تحقیق از مسوولین جراید مذکور و تعقیب آنان مورد تقاضا است.

در خاتمه با توجه به مقدمه این اعلام جرم چون مفاد اعلامیه حقوق بشر نقض و بر اثر این تهاجم وحشیانه حیثیت انسانی لطعات جبران ناپذیری وارده شده و اموال مردم مورد تخریب و غارت قرار گرفته است رسیدگی بکلیه مواردی که در این اعلام جرم بیسان شده است مورد تقاضا است.

با احترام

منوچهر مسعودی

وکیل دادگستری



تهران - چهاردهم آذرماه ۱۳۵۶